

مدخلهای دینی؛ نگاهی از زاویه دید اسلام

کیهان فرهنگی

طارمی، حسن

کیهان فرهنگی: وظایف شما چیست و گروه معارف اسلامی به چه موضوعاتی می‌پردازد؟

حجت الاسلام طارمی: باید در نظر بگیریم معارف اسلامی از آغاز اسلام تا امروز یک فرا؟؟ داشته و در حوزه‌ای وسیع از جهان آثار و؟؟ گوناگون ظهور کرده‌اند که در این مجموعه؟؟؟ پرداختن به این اشخاص و آثار و اصطلاحات حیثیه وظایف دست‌اندرکاران گروه ماست. گروه معارف اسلامی یعنی دایرة المعارفی معارف اسلامی. در این گروه فعالیت‌های ما مشخص کردن عناوین یا مدخلهایی که باید مقاله نوشت، نوشتن مقالات و سفارش؟؟؟ استادان آشنا و کارشناس در آن مدخل ارزیابی مقالات و در صورت لزوم تبادل نظر نویسنده آن برای توافق بر سر شکل و محتوا قبول مقاله، ویرایش اولیه آن، و بازبینی مطالب بنده مجموعه علوم را که در جهان؟؟؟ می‌توانیم بشناسیم و دانشمندان زیادی در؟؟؟ کرده‌اند و علوم را نام برده‌اند، از نظر ارتباط؟؟؟ اسلام معمولا به سه یا چهار درجه و دست؟؟؟ می‌کنم. علمی هستند که ما به آن می‌گوئیم؟؟؟ «اصالتا اسلامی» یعنی علمی که اگر اسلام؟؟؟ علوم هم نبودند که شامل فقه اسلامی، قرآن حدیث شناسی و کلام اسلامی می‌شود. علو؟؟؟ هم هست (از نظر ارتباط با اسلام می‌گویم) که؟؟؟ اسلامی رشد کرده‌اند و با مباحث اسلامی نزدیکتری دارند. به عنوان نمونه عرفان و فلسفه گاهی با اسلام آمیختگی پیدا کرده‌اند. علمی داریم که در دوره اسلامی رشد کرده‌اند و به هر جامعه بشری به آنها دارد، مثل: ریاضی معماری و مانند آن که دین اسلام در گسترش بسزا داشته، این علوم، در پایه سوم هستند که اسلام رشدی چشمگیر یافتند. علوم دورتری این دسته‌بندی هم هستند که رابطه‌شان با اسلام است. بنا بر این، معارف اسلامی که می‌گوئیم؟؟؟ همان علوم دسته نخست است؛ یعنی؟؟؟ موضوعشان اسلامی است: فقه و اصول، قرآن و؟؟؟ کلام، حدیث شناسی که در کل رجال شناسی؟؟؟ و تاریخ اسلام که به سیره پیامبر، سیره امه و؟؟؟ انمه می‌پردازد. این مجموعه معارف اسلامی؟؟؟ ممکن است در آینده ناگزیر از تفکیک بین اینها؟؟؟ گروه‌های بیشتری به گروه‌های کنونی بیفزاید؟؟؟ کدام متکفل یک شاخه آن شوند.

کیهان فرهنگی: دینها و مذاهب دیگر هم در این گروه جا دارند یا خیر؟

طارمی: ما از منظر و دیدگاه اسلام؟؟؟ جهان نگاه می‌کنیم. در واقع نگاه دانشنامه جهان؟؟؟ به جهان به طور کلی از این دیدگاه است. یعنی؟؟؟ بفرمایید که درباره داروهای طبی هم اگر بنویسیم آنچه را که مربوط به جهان اسلام؟؟؟ کسانی مانند ابن سینا، رازی، اخوینی در؟؟؟ مطلبی در کتابهای خود نوشته‌اند، می‌آوریم. یا؟؟؟ که در قرآن صحبت از انجیل شده بر اساس قرآن آمده و آنچه در حدیث از آن سخن رفته متکلمین ما گفته‌اند، آن را می‌نویسیم. در قرآن تثلیث مطرح شده. ما از این نظر بحث را می‌کنیم که قرآن گفته مسیحیان قایل به تثلیثند. در قرآن به کسی که به یهودیان حمله اشاره شده که در تفاسیر ما نامش را؟؟؟ دانسته‌اند. بنا بر این چون در منابع ما نام وی بختصر در مدخلهای ما وارد خواهد شد و موضوع؟؟؟ ما قرار خواهد گرفت و مقاله‌ای درباره وی سفارش خواهد شد تا نوشته شود. نگاه ما به مآخذ و دیدگاهها و مذاهب دیگر از چشم و زاویه دید اسلام است، که البته به طور عمده از منابع خودمان مایه گرفته‌اند. در این مدخلها بودا هم مطرح خواهد شد، زیرا در کتاب «ملل و نحل» ما بودیسم مطرح شده و شرحی درباره آن آمده است.

کیهان فرهنگی: محورها و ویژگیهایی که در مدخل‌گزینی گروه معارف اسلامی رعایت می‌شود چیست؟

طارمی: وقتی بخواهیم درباره مدخل در این گروه کار کنیم، سه محور اصلی موضوع کار ما هستند: یکی اصطلاحات و مفاهیم که در هر علمی مطرحند. مثلا کسی می‌خواهد بداند «ربا» چیست، یا حکم اسلام درباره شطرنج چیست. اینها مربوط

به مفاهیم و اصطلاحات است. یکی دیگر از محورهای اشخاصند که به ویژه درباره اشخاص شیعه مذهب و نیز آنها که در ایران یا ایرانی بوده‌اند یک مقدار بیشتر کار می‌کنیم؛ زیرا کسی که در کشوری دیگر آن را مطالعه می‌کند توقع دارد درباره ایران از دانشنامه ما مطلب بیشتری ببیند چرا که اطلاعات ما درباره ایران بیشتر است، همچنان که یک تونس‌ی یا مراکش‌ی و... نیز از کشور خود اطلاعات بیشتری می‌داند. محور دیگر مدخلهای ما کتابهای مهم است که مسلمانان و ایرانیان و فارسی‌زبانان پدید آورده‌اند. کتابهای درجه اولی که می‌توانند مراحل حرکتی ما را در خود داشته باشند. وقتی ما در دوره‌ای درباره موضوعی چندین کتاب داریم، معلوم است که در آن دوره حرکت بیشتری در این عرصه داشته‌ایم. این کتب مهم را دسته‌بندی کرده‌ایم و برای هر موضوع و قسمتی چند کتاب مهم را در نظر گرفته‌ایم و مدخلهای تا درجه سوم آنها را به تصویب خواهیم رساند.

گفتیم ما با این نگاه جلو برویم که یک روزی دانشنامه ما از «الف» تا «ی» در کتابخانه‌ای چیده شود، این دانشنامه باید بتواند راهنمای اطلاعاتی و اطلاع‌رسانی برای هر پژوهشگری باشد که می‌خواهد در حوزه‌ای خاص کار کند. می‌خواهد مثلاً درباره فقه کار کند این فرد باید بتواند وقتی به دانشنامه مراجعه کرد هر سؤال فقهی دانشنامه‌ای را در آنجا بیابد. یعنی نمی‌خواهد بداند برای نمونه تیمم چگونه انجام می‌گیرد، چون می‌تواند به توضیح المسائل رجوع کند بلکه مفهوم تیمم را بداند یا اصطلاح «مضاربه» را در فقه بداند. ما مداخل را چنین تقسیم کرده‌ایم که اگر این اصطلاح از اصطلاحات درجه اول است - که به قول ما «معرکه آرا» بوده - مقاله آن را می‌خواند و اگر درجه دوم و سوم است وی را به مسأله‌ای دیگر ارجاع می‌دهیم.

یعنی برای مثال اگر درباره «مسح» می‌خواهد مطلب بخواند رجوع می‌دهیم به «وضو» - برای روشن کردن این بخش باید چنین مثال بزنیم که در همین مسأله فقه یکی از کارشناسان و آگاهان فقهی را می‌بینیم و طی مشاوره‌هایی می‌گوییم بخشهای مهم آن را برای ما استخراج کند. او چنین می‌کند: ما در فقه یک موضوع به نام فقه باید داشته باشیم که یکی از شاخه‌های مهم علوم اسلامی است. فقه یک مقاله باید داشته باشد شامل تعریف و سیر تحولی و اینکه از چه زمانی به عنوان دانشی مستقل شناخته شد، و از آن پس چه مراحل را طی کرده است. در درجه دوم مباحث مهم آن چیست و در واقع درختواره مدخلهای فقهی با این سوالات و گزینش اهم مداخل شکل می‌گیرد. در هر کدام از این بخشها چنین کاری می‌کنیم. البته برای این کار در هر بخش سراغ منابع اصلی رفته‌ایم و آنها را برای بهره‌گیری بدین منظور انتخاب کرده‌ایم. با برخی از اهل نظر هم تبادل نظر می‌کنیم و سپس آن مدخل را در شورای مدخل ارائه می‌دهیم تا اگر مورد قبول و پذیرفتنی بود، تصویب شود.

کیهان فرهنگی: در هر بخش با چه کسانی تبادل نظر می‌کنید؟

طارمی: افرادی را که در هر حوزه بیشتر از دیگران کار تحقیقی می‌کنند و در آن عرصه شناخته شده‌ترند انتخاب می‌کنیم و با ایشان در آن باره تبادل نظر می‌کنیم. برای مثال در حوزه «اصول» از آقای انصاری روحانی گرانقدر و اندیشمندمان خواهش کرده‌ایم ما را یاری دهند، در فقه و حقوق آقای حائری، دوستی که بیشتر نیز در اینجا با ما همکاری می‌کردند همراهان شدند و به یاری ایشان مدخلهای فقه را درآوردیم، آقای هاشمی نیز در زمینه رجال شناسی یاورمان هستند. آقایان الهامی، ضرابی، ترابی، رهایی، کیانی و محمدی از فاضلانی هستند که اهل قلمند، درس خارج خوانده‌اند و در این گروه با ما همکاری می‌کنند.

کیهان فرهنگی: آیا در این گروه مأخذ شناسی هم انجام می‌گیرد؟

طارمی: بله، مهمترین کار برای مقاله نویسی یا اصلاً برای آنکه بتوانیم ادعا کنیم کل مقالات علمی ما در این حوزه، فعالیت کاملی است، شناسایی مأخذ موضوعات و گردآوری آنهاست. مرادمان از مأخذ موضوعات، مأخذی است که به طور «عام» در یک موضوع وجود دارند و به طور «خاص» در این موضوع مطرح شده‌اند. برای نمونه وقتی می‌خواهیم شرح حال فقیهی را بنویسیم، باید بدانیم مأخذ عمومی‌ای که شرح حال وی را بیان کرده‌اند کدامها هستند و بعد اگر درباره وی به طور خاص هم کتابی نوشته شده آن را شناسایی کنیم. وقتی می‌خواهیم شرح حال آیت الله بروجردی را بنویسیم باید

بدانیم که درباره ایشان دو کتاب و یک رساله مستقل نوشته شده و یک مجله درباره ایشان ویژه نامه دارد و چندین مقاله هم در دایرة المعارفها نوشته شده و کتابهای عمومی دیگر هم درباره وی مطالبی نوشته‌اند. البته مؤلفی که ما او را برای نوشتن مقاله وی در نظر می‌گیریم خود از این مأخذ آگاه است، اما برای آنکه یک روش اطلاع رسانی خوبی داشته باشیم و مواقعی که می‌خواهیم درباره شخصیتی که کمتر از آیت الله بروجردی شناخته شده مقاله‌ای بنویسیم باید کار مأخذ شناسی را به طور جدی انجام دهیم. تا آنجا که می‌دانم مرکز، مؤسسه یا نهادی که بتواند به طور کامل و پربار کار مأخذ شناسی را انجام دهد، نداریم. بنا بر این مأخذ شناسی هم بر دوش خودمان است. در مأخذ شناسی کتابها را از نگاههای گوناگون دسته‌بندی کرده‌ایم، از نظر اهمیت، از دیدگاه اعتبار و صحت، و... دیدگاهها در این دسته‌بندی به هشت گونه می‌رسد و به سؤالاتمان در زمینه زمان، اعتبار، اهمیت، موضوع، جامع بودن و... پاسخ می‌دهد.

کیهان فرهنگی: چه مشکلات و موانعی فراروی کار شماست و به نظر شما چگونه می‌توان بر آنها فایق آمد؟

طاری: در ایران دایرة المعارف نویسی هنوز سنت نشده است. این طور نیست که مقاله نویسی برای دایرة المعارف امری عادی میان افراد متخصص باشد. شما در برخی جاهای دنیا می‌بینید پژوهنده‌ای که در حوزه‌ای خاص مثل فیزیک تخصص دارد وقتی از وی می‌خواهید که مقاله‌ای در فیزیک برای دایرة المعارفان بنویسد او می‌داند که چه و چگونه باید بنویسد، اما در ایران باید به همان پژوهنده دارای تخصص توضیح داد که چه می‌خواهیم، چگونه بنویسد، از کجا شروع کند، به کجا ختم کند و ساختار و مقاله‌اش چطور باشد! در ایران نه تنها داریم با شیوه «آزمون و خطا» پیش می‌رویم، بلکه تعداد کسانی که می‌توانند در این زمینه مقاله بنویسند کم است. من به شخصه تجربه‌ای در اینجا داشته‌ام و اکنون پی برده‌ام که گاهی از چند دایرة المعارف برای نوشتن مقاله‌ای درباره فلان شخص یا موضوع به یک فرد مراجعه شده! تعداد متخصصان ما آنقدر زیاد نیست که در هر حوزه و موضوعی یک یا چند متخصص داشته باشیم. در حالی که شاید در حوزه‌ای دیگر یا در جایی دیگر چنین باشد. بنا بر این از آغاز در ذهن ما این بود که باید کارشناس و مؤلف دایرة المعارفی پرورش داد. بدین منظور ما بخشی از وقتمان را در راه تربیت نیروی متخصص صرف کردیم. از آدمهای فاضل و اندیشمندی خواهش کردیم که در این راه با ما همگام شوند. برخی همکاران ما در گروه معارف اسلامی افرادی در حوزه علمیه قم هستند که با آنها همین گونه رفتار کردیم و در واقع همه‌مراحل را که توضیح دادم به آنها آموخته‌ایم. در نشستهای پیاپی و بسیاری روشها را به آنها آموخته‌ایم و گفته‌ایم که این را اگر چنین بنویسیم بهتر است یا اگر چنان کار کنیم شایسته‌تر است، این موضوع را ذکر کنیم کاملتر و آن مأخذ و مسأله را در اینجا بیاوریم خوبتر است. تا اینکه سرانجام توانسته‌ایم آنچه را می‌خواهیم به آنها بگوییم. گفته‌ایم این مطلب خود بحث مستقلی دارد آن مطلب اگر در لابه‌لای مطلب فلانی بیاید دیگر احتیاجی به مدخلی دیگر نداریم و... شکل و استخوانبندی کار را برای ایشان مشخص کرده‌ایم تا مقاله‌ای که چاپ می‌شود مقاله‌ای درجه یک باشد.

کیهان فرهنگی: چند نمونه از مقالات درجه یک را که در این گروه نوشته شده نام ببرید و بفرمایید که بیشتر چه انتقادهایی از مقالات شما می‌شود؟

طاری: از میان مقالاتی که در این زمینه می‌گنجد می‌توان اشاره کرد به مقاله «بازپرسی» که آقای حائری نوشته‌اند، مقاله «پاه» که آقای هاشمی آن را نوشته‌اند، اگر حمل بر تعریف از خود نباشد مقاله «باده» خود من، از شرح حالها می‌توان مقاله «امام باقر» را یاد کرد و... منتظریم که آیندگان و خوانندگانمان نظر بدهند؛ زیرا هر مقاله‌ای که چاپ می‌شود زیر ذره‌بین انتقاد می‌رود و از آنجا که انتقادهای اندکی به بیشتر مقالات ما شده می‌توان از صحت و درستی آن اطمینان حاصل کرد. از نظر محتوایی کمتر از ما انتقاد شده است و آنچه هست بیشتر در این زمینه است که مثلا چرا فلان مدخل را نیاورده‌اید و... حتی یادم می‌آید یکی از دوستانمان بر جزوه سوم ما مقاله‌ای نوشته بود که در «کیهان فرهنگی» چاپ شده است و از قضا مطلبی از خود بنده را بررسی کرده بود و گفته بود در مأخذی که نام برده‌ایم آن مطلب نیامده است. بعد از چاپ آن من با ایشان تماس گرفتم و گفتم که مطلب یاد شده در آن مأخذ اما در چاپ فلان آن آمده است که قبول کردند و گفتند یک مقدار در نوشتن نقد عجله کرده‌ام. برای مثال انتقاد کرده بودند که چرا در بحث اسماء خدا از یک فرنگی مقاله ترجمه کرده‌اید. ما نظرم این است که بهترین مقاله را چاپ کنیم حالا اگر این

بهترین مقاله از خامهء فردی مسلمان یا ایرانی نوشته شده چه بهتر و گر نه ایرادی نیست که از چه کسی است. در آن موضوع هم دو مقالهء خوب نوشته شده بود که یکی از آنها به قلم همان فرد فرنگی بود. با ارزیابی ما مشخص شد که مقالهء وی بهتر است و بی‌تردید یکی از بهترین مقالاتی که در این زمینه نوشته شده، همان است. آقای دانیل ژیماره کتابی دربارهء «اسماء و صفات الهی» نوشته‌اند که ما بخشی از آن را مثل مقالهء «بادئ» در جزوهء دوم از آن کتاب ترجمه کردیم. من مخالف استفاده از مقالات مسلمانان یا ایرانیان نیستم، اما در این زمینه ایشان تحقیق و جستجوی بهتری کرده بودند و مقاله‌شان نیز به قلمی بهتر و ساختاری درست‌تر نوشته شده است از همین رو از آن استفاده کردیم و اگر کس دیگری از مسلمانان یا ایرانیان چنین می‌کرد بی‌شک آن را چاپ می‌کردیم.

کیهان فرهنگی: از شما سپاسگزاریم.